

تاریخ‌نگاری حزبی در مصر

نمونه موردی: کتاب سعد زغلول، اثر عقاد

مریم عزیزیان^۱

چکیده: احزاب فعال در مصر در سال‌های ۱۹۲۲-۱۹۵۲م. همان ناسیونالیست‌های پرشور صحنه سیاسی بودند. همان‌گونه که این احزاب به دلیل اهداف مختلف ناسیونالیستی با یکدیگر رقابت می‌کردند، شیوه‌ها و ابزار رقابتشان هم گوناگون بود. یکی از ابزارهایی که برخی از این احزاب برای به حاشیه راندن رقبای خود استفاده می‌کردند، دانش «تاریخ» بود که به تولید انواع تاریخ‌نویسی در تاریخ‌نگاری حزبی مصر منجر شد. از جمله مهم‌ترین این تاریخ‌نگاشته‌ها، کتاب سعد زغلول، زعیم الثورة اثر عباس محمود عقاد، یکی از اعضای حزب وفد بود. مطالعه و تحلیل این اثر تاریخ‌نگارانه به منظور فهم چگونگی روایت و تصویرسازی این پیشوای ملی در تاریخ معاصر مصر و نحوه انعکاس اختلاف‌ها و رقابت‌های درون یا برون‌حزبی وفد در این متن، مسئله این تحقیق است. روش تحقیق در این مقاله، مطالعه شاخصه‌های تاریخ‌نگاری متن سعد زغلول است که با در نظر گرفتن روابط میان متن با نویسنده و شرایط زمانه مؤلف انجام شده است. نتیجه تحلیل شاخصه‌های تاریخ‌نگاری این متن نشان می‌دهد عقاد در واکنش به فضای اندیشه‌ای و سیاسی مصر در سال ۱۹۳۶م. با نگارش کتاب سعد زغلول به دفاع از حزب وفد و بنیانگذار آن پرداخت. اما وی به دلیل دشمنی با نحاس، رهبر وقت حزب وفد، ساخت تصویر آرمانی را تنها در مورد سعد زغلول به نمایش گذاشت.

واژه‌های کلیدی: عباس محمود عقاد، سعد زغلول، مصر، حزب وفد، ناسیونالیسم، قرن

بیستم

۱ استادیار گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد maryamazian@ferdowsi.um.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۶/۲۴ تاریخ تأیید: ۹۴/۰۹/۲۸

Party Historiography in Contemporary Egypt Case Study: the Saad Zaghloul's Historiography Written by Al-Aqqād

Maryam Azizian¹

Abstract: Active parties in Egypt in the years 1922-1952 were the same zealous nationalists of political scene of the country. These parties competed against each other with various styles and tools. One of these tools was “history” that led to production of species of historiography in Egypt's party historiography. One of the most important of these historiographies was the Saad Zaghloul's book, i.e. *Zaim al-Thawrah*, written by Abbās Mahmūd al-Aqqād, a member of the Wafd Party. The topic of this research is study and analysis of this historiographical work in order to understand how this national leader in Egypt's contemporary history has been portrayed and how Wafd Party's disputes and competitions are reflected in this text. The method of this research, according to the characteristics of historiography, is understanding the relationships between the studied text components, the author and political-cultural macro- context in this era. The result of the research shows that Al-Aqqād, in response to the political and intellectual atmosphere of Egypt, intends to defend the Wafd party and its founder, i.e. Saad Zaghloul. Due to the competition with other parties, he portrayed Zaghloul as the best example of an ideal leader in Egypt. However, because of a feud with Mustafa Nahas, the leader of Wafd Party at that time, the author presented such an ideal image only in the case of Saad Zaghloul.

Keywords: Historiography, Nationalist, Egypt, Saad Zaghloul, Wafd party, Akkad, 20th Century

1 Assistant Professor, Department of History, Ferdowsi University of Mashhad
maryamazizian@ferdowsi.um.ac.ir

مقدمه

در فاصلهٔ میان دو جنگ جهانی، اندیشهٔ ناسیونالیسم و دموکراسی سیاسی^۱ به‌عنوان عقاید و نهادهای سیاسی که قابلیت جانشینی نهادهای سنتی را دارند، مورد قبول نخبگان حاکم مصر و دیگر کشورهای عربی واقع شد.^۲ به‌دنبال نهضت ناسیونالیستی در مصر، حکومت مشروطه و پارلمانی در این کشور ظهور یافت. مصر الگوی نظام مشروطهٔ بریتانیا را پذیرفت چرا که قدرت اصلی و حاکم بر آن کشور بود.^۳ این الگوی غربی نظام چندحزبی را برای دموکراسی پارلمانی نهادی ضروری می‌شناخت، از این‌رو در مصر نیز از همان آغاز برپایی حکومت مشروطه به تشکیل احزاب سیاسی توجه شد.^۴

در دورهٔ مورد بررسی، دل‌مشغولی‌های حزبی با دغدغه‌های اندیشهٔ ناسیونالیسم مصری پیوندی تنگاتنگ دارند. یکی از مسائل اصلی اندیشهٔ ناسیونالیسم، موضوع استقلال و یافتن بهترین راه برای پایان بخشیدن به سلطهٔ بریتانیا بود. از طرف دیگر مسئلهٔ استقلال در صدر دل‌مشغولی‌های احزاب هم قرار گرفت. از همین‌رو، رهبران و اعضای احزاب به ناسیونالیست‌های فعال صحنهٔ سیاسی مصر نیز تبدیل شدند.^۵

پاسخ‌های این احزاب به راه حل استقلال متفاوت بود و به همین دلیل به دو گروه احزاب هوادار حکومت و احزاب ضدحکومت تقسیم شدند. گروه اول همراه با پادشاه خواهان همکاری با اشغالگران اروپایی برای رسیدن تدریجی به استقلال بودند، اما گروه دوم مخالف همکاری با بریتانیای اشغالگر و خواهان استقلال فوری بودند. گروه اخیر از پشتیبانی مردمی گسترده‌تری برخوردار گشتند.^۶ ریشهٔ رقابت‌ها و حتی دشمنی احزاب این دوره، فقط به این اختلاف نظر خلاصه نمی‌شد بلکه به نحوهٔ اندیشه، بینش و اصول حاکم بر حزب، خاستگاه اجتماعی اعضای حزب و رقابت‌های سیاسی آن زمان نیز باز می‌گشت.

۱ این نوع دموکراسی در عمل به معنای حکومت اکثریت یا نصف به اضافهٔ یک افراد رأی‌دهنده است. داریوش آشوری (۱۳۶۶)، *دانشنامهٔ سیاسی*، تهران: سپهرودی با همکاری مروارید، ص ۱۵۸.

۲ مجید خدوری (۱۳۷۴)، *گرایش‌های سیاسی در جهان عرب*، ترجمهٔ عبدالرحمن عالم، تهران: وزارت امور خارجه، ج ۳، صص ۵۲، ۳۵.

۳ همان، ص ۴۳.

۴ همان، ص ۵۵.

۵ از همین‌رو بود که با پایان یافتن سلطهٔ خارجی، بیشتر احزاب ناسیونالیست به مرگ طبیعی مردند، زیرا علت وجودی‌شان از بین رفته بود. نک: همان، صص ۵۵-۵۶.

۶ همان، ص ۵۵.

با وجود این رقابت‌ها، راه حل مشترک همه این نخبگان ناسیونالیست حزب‌گرا در پاسخ به تهاجم بزرگ‌ترین خطر یعنی اروپا، «مدرن» نمودن همه زمینه‌های زندگی در مصر بود.^۱ در این میان، یکی از راه‌هایی که برخی از ناسیونالیست‌ها برای توجیه مدرنیسم و مدرن کردن شیوه‌های زندگی به کار بردند، استفاده از «تاریخ» بود. جریان تاریخ‌نگاری ناسیونالیستی تاریخ معاصر در مصر با آثار مصطفی کامل و محمد فرید آغاز شد. تاریخ‌نگاری آنها به تبع فهم خاص آنان از ناسیونالیسم، به شدت تحت تأثیر سه اندیشه اسلام‌گرایی، عثمانی‌گرایی و عرب‌گرایی قرار داشت.^۲ فروپاشی عثمانی و وقایع پس از جنگ جهانی اول ویژگی‌های ملی‌گرایی در مصر را از اندیشه‌های یاد شده به ناسیونالیسم غرب‌گرا و دنیاگرا تغییر داد. از این‌رو دغدغه ملی‌گرایان به استقلال مصر منحصر شد.^۳ پیرو این تغییرات، تمرکز تاریخ‌نگاری ناسیونالیستی نیز به نگارش تاریخ و حوادث کشور مصر محدود شد. به سبب غلبه نگرش‌های سیاسی و حزبی بر نظام ایدئولوژی ناسیونالیست‌های تاریخ‌نویس، آنان تاریخ را از دریچه سیاست نگریستند و بسیاری از آثار تاریخی خود را در قالبی حزبی نگاشتند. این نگاه‌های حزبی سبب ظهور تاریخ‌نگاری حزبی در مصر شد. در فاصله سال‌های ۱۹۱۸-۱۹۵۲م. بیشترین آثار در این نوع از تاریخ‌نگاری توسط اعضای حزب «وطنی» و «وفد» تولید شد. در میان این تاریخ‌نویسان حزبی ناسیونالیست، عباس محمود عقاد (۱۸۸۹-۱۹۶۴م.) یکی از اعضای حزب مردمی وفد بود که ده سال پس از درگذشت بنیانگذار این حزب، سعد زغلول (۱۸۵۹-۱۹۲۷م.) به نگارش زندگی او پرداخت.

پژوهش‌هایی که تاکنون به مطالعه عقاد پرداخته‌اند به سه دسته بررسی زندگی و آثار

۱ «مدرنیزه شدن» به معنای آن بود که کشور زندگی سیاسی و اجتماعی مشابه کشورهای اروپای غربی داشته باشد. این پاسخ چنان در اندیشه آنان روشن بود که نیازی به بازگشت به گذشته و استفاده از روش‌های گذشته را برای زندگی نوین احساس نمی‌کردند. آلبرت حبیب حورانی (۱۳۸۷)، تاریخ مردمان عرب، ترجمه فرید جواهر کلام، تهران: امیرکبیر، چ ۲، ص ۴۸۱؛ هشام شرابی (۱۳۶۸)، روشنفکران عرب و غرب، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وابسته به وزارت امور خارجه، صص ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۶.

۲ چاک کرابس (۱۹۹۳)، کتابه التاريخ فی مصر القرن التاسع عشر: دراسة فی التحول الوطني، ترجمه و تعلیق عبدالوهاب بکر، قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب، صص ۲۱۱-۲۱۷، ۲۲۹-۲۳۳، ۲۳۷؛ برای اطلاعات بیشتر نک: مصطفی کامل (۱۹۰۹)، مسئله الشریقه، قاهره: مطبعة اللواء؛ محمد فرید (۱۳۰۸ق)، البهجة التوفیقه فی تاریخ مؤسس العائلة الخدیویه، قاهره: مطبعة الامیریة؛ محمد فرید (۱۹۱۲)، تاریخ الدولة العلیة العثمانیة، قاهره: مطبعة التقدم بمصر.

۳ شرابی، همان، ص ۱۴۹؛ حورانی، تاریخ مردمان عرب، ص ۴۸۱.

عقاد،^۱ تحلیل شخصیت ادبی او^۲ و تاریخ‌نگاری وی قابل تقسیم‌اند. در پژوهش‌های مرتبط با تاریخ‌نگاری عقاد، نیز دو نوع مطالعه صورت گرفته است. یک نوع پژوهش‌هایی است که صرفاً بر جنبه تاریخ‌نگاری اسلامی عقاد و آثار او در زمینه تشیع تأکید کرده‌اند و از توجه به گرایش‌های ملی‌گرایانه این نویسنده غفلت ورزیده‌اند.^۳ در نوع مربوط به تاریخ‌نگاری ناسیونالیستی و حزبی مصر، به استثنای کاپوآ، دیگران به عقاد توجهی نشان نداده‌اند.^۴ اگرچه کاپوآ به خوبی اثر عقاد را در ذیل تاریخ‌نگاری حزبی مصر جای داده است، اما تنها به این اشاره مختصر بسنده کرده است که عقاد زندگی‌نامه‌ای آرمانی از بنیانگذار حزب وفد تهیه کرد.^۵ کاپوآ طرح پرسش‌هایی در زمینه چرایی تولید این کتاب را مسکوت گذاشته است. پرسش‌هایی مانند اینکه چرا این متن مانند بسیاری از آثار در این موضوع، در سال‌های زندگانی خود زغلول نگاشته نشد؟ چرا این عضو سابق وفد هنگامی این متن را نگاشت که بیشتر انتقادهای ناسیونالیسم‌ها، نحاس، رهبر وقت حزب وفد را نشانه گرفته بود؟ با عنایت به این موارد، مطالعه، بررسی و تحلیل این اثر تاریخ‌نگارانه به منظور فهم چگونگی روایت این پیشوای ملی در تاریخ معاصر مصر و نحوه انعکاس اختلافات درون یا برون حزبی وفد در این متن مسئله این تحقیق است.

روش اتخاذ شده در این تحقیق، فهم شاخصه‌های تاریخ‌نگاری اثر مذکور است. این شاخصه‌ها در سه ساحت متن، نویسنده و فضای تاریخی که متن در آن تولید شده است، قابل

۱ عزالدین رضانزاد (۱۳۸۶)، «پیشگامان تقریب: عباس محمود عقاد: شاعر، ادیب و نویسنده اصلاح‌گر مصری»، مجله اندیشه تقریب، ش ۱۳؛ صص ۱۲۱-۱۳۰، مجتبی رحمان دوست (۱۴۲۶)، «عباس محمود عقاد: نشاطات و آثار»، مجله اللغة العربية و آدابها، السنة الأولى؛ العدد ۲، صص ۵-۲۲.

۲ در مورد شخصیت ادبی عقاد مطالعات بسیاری صورت گرفته است. برای نمونه نک: المبارک ابراهیم و مصطفی جاد أبوالعلا (۱۳۵۱ق)، «عباس محمود العقاد»، المعرفة، السنة الثانية، الجزء ۴، صص ۴۷۱-۴۸۰؛ عبدالحی دیاب (۱۹۷۲)، «عباس محمود العقاد (۲۸ یونیو ۱۸۸۹-۱۲ مارس ۱۹۶۴) العقاد شاعراً»، الجديد، العدد ۴؛ صص ۴، ۵؛ عبدالرحمن صدقی (۱۳۵۲ق)، «الکتب: هدیة الکروان، مجموعة أشعار للأستاذ عباس محمود العقاد»، الرسالة، العدد ۲۶، صص ۳۸-۴۰.

۳ صادق آیینوند (۱۳۸۲)، تاریخ‌نگاری مورخان معاصر عرب (مکتبها و گرایش‌ها)، سلسله نشست‌های علمی-پژوهشی انجمن تاریخ‌پژوهان، تهران: چاپ انجمن تاریخ‌پژوهان، صص ۷-۱۲؛ جمال اشرفی (۱۳۸۸)، مکتب‌ها و رهیافت‌های تاریخ‌نگاران معاصر عرب با تأکید بر عقاد، عش و جوادعلی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ اسلام به راهنمایی دکتر صادق آیینوند، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، صص ۱۰-۶۷.

۴ أحمد عبدالله (۱۹۸۸)، تاریخ مصر بین المنهج العلمی و الصراع الحزبی، أعمال الندوة الإیترام و الموضوعیة فی کتابة تاریخ مصر المعاصر ۱۹۵۲-۱۹۱۹/القاهرة- ۱۹۸۰، بی‌جا: دار شهیدی للنشر، صص ۲۰۳-۲۱۵، ۳۶۱-۳۹۹؛ عبدالمنعم ابراهیم الجمعی (۲۰۰۷)، حركة التألیف التاریخی فی مصر الحدیثه و المعاصره، القاهرة، الهيئة العامة لقصور الثقافة، صص ۳۶۲، ۴۲۱.

5 Ylav Di-Capua (2009), *Gatekeepers of the Arab Past, Historians and History Writing in twentieth-century Egypt*, London: University of California Press, pp. 327, 328.

بررسی هستند. از یک سو، به منظور تحلیل متن کتاب، کوشش می‌شود مؤلفه‌های اصلی تشکیل‌دهنده متن کشف شود. این مؤلفه‌ها را می‌توان از طریق توجه به چگونگی روایت، نحوه انتخاب واژگان، جملات و بندهای متن شناسایی کرد. از سویی دیگر، رابطه این مؤلفه‌ها با زیست‌جهان نویسنده و شرایط سیاسی و اندیشه‌ای زمانه او بررسی می‌شود. فهم این ارتباط به چرایی تولید یک متن تاریخ‌نگارانه در یک دوره تاریخی خاص یاری می‌رساند. در نگاه نویسنده مقاله، تمام ساحت‌های یادشده به یک میزان در ساخت معنا و شاخصه‌های تاریخ‌نگاری یک اثر نقش دارند. از این رو، اینکه از بررسی کدام ساحت آغاز کنیم، تنها یک امر سلیقه‌ای است.

با عنایت به این روش، در بخش نخست این مقاله، زندگی عقاد و شرایط زمانه او مطالعه می‌شود. سپس متن کتاب سعد زغلول، زعيم الثورة در پرتو این فضا تحلیل می‌گردد.

زمانه و زندگی عباس محمود عقاد

در حالی که نوع ناسیونالیسم هلال خصیب، واکنشی در مقابل ترکان و سیاست پان‌ترکسیم آنها بود، ناسیونالیسم مصری در برابر فشار دخالت و اشغال اروپایی بروز کرد.^۱ مقاومت نیروهای اجتماعی گوناگون در برابر نفوذ بیگانگان در جنبش عراقی در سال ۱۸۸۲م. عنصری از ملی‌گرایی در خود داشت ولی هنوز به مرحله پختگی نرسیده بود، از این رو به اشغال مصر منتهی شد. اشغال کشور در کنار زوال اقتصادی و نظامی منطقه و پیروزی‌های چشمگیر اروپا در جهان آن روز این عقیده را در مصریان شکل داد که اقتدار اروپا در دنیا شکست‌ناپذیر است. طبقه روشنفکر و نسل پرورده اشغال همچون عبده (۱۸۴۵-۱۹۰۵م.) و طرفدارانش (نظیر احمد لطفی سید (۱۸۷۰-۱۹۶۳م.) و زغلول) سرخورده از شکست انقلاب عراقی نتیجه گرفتند که مصر پیوسته از اخراج بریتانیایی‌ها عاجز است و نمی‌تواند یک ملت مستقل تشکیل دهد. به باور این گروه - که تحت تأثیر اصلاح‌طلبی اسلامی و در رأس آن محمد عبده بودند - نخستین نیاز، پیشرفت معنوی و اجتماعی است و مصر برای این تکامل می‌تواند از حضور انگلیس بهره بگیرد.^۲ از این رو دچار تصلب و جمود سیاسی شدند. این تفکر توسط حکام بریتانیایی مصر نظیر لرد کرومر (۱۸۸۴-۱۹۰۷م.)، تجار بیگانه و خدیو توفیق به

۱ شرابی، همان، ص ۱۲۱.

۲ حورانی، تاریخ مردمان عرب، صص ۲۴۰، ۲۴۱ و ۴۳۸.

خاطر مصالحشان تقویت می‌شد.^۱

اما ده سال بعد نسلی ظهور کرد که عصر پیش از اشغال و شکست سنگین انقلاب عربی را تجربه نکرده بود. پیشوای این نسل مصطفی کامل (۱۸۷۴-۱۹۰۸م.) بود. افکار او در تعارض بسیار با افکار عبده و طرفدارانش به‌ویژه در تأکید بر توانایی مصریان در حکومت بر خویشتن و لزوم مبارزه سیاسی برای اخراج کامل انگلیسی‌ها قرار گرفت. بدین گونه با ایجاد شکاف میان عقول مصریان، جنبش ناسیونالیسم مصر همگام با مبارزات مصطفی کامل در سال ۱۸۹۵ میلادی آغاز شد.^۲ به دنبال کاسته شدن فشارهای سیاسی پس از استعفای کرومر، نماینده عالی‌رتبه انگلیس (۱۹۰۶م.)،^۳ اولین احزاب در ۱۹۰۷م. در مصر سر برآوردند که تأثیر بسیاری در سرنوشت آتی مصر بازی کردند. تا پیش از انقلاب ۱۹۱۹م. هفده حزب در مصر تأسیس شد. در این میان حزب «الوطنی» که مصطفی کامل آن را بنیان‌گذاری کرده بود، ملی‌گراترین و محبوب‌ترین حزب در زمان خود به حساب می‌آمد.^۴ درگذشت ناپهنگام کامل در ۱۱ نوامبر ۱۹۰۸م. و انتخاب محمد فرید (۱۸۶۸-۱۹۱۹م.) به رهبری حزب وطنی و جنبش ناسیونالیسم مصر با سرکوب شدید حزب و جنبش توسط بریتانیا و دربار خدیو مصادف شد که باعث به حاشیه رانده شدن و انزوای حزب وطنی شد. به دنبال آزادتر شدن فضای سیاسی پس از انقلاب ۱۹۱۹م. و متعاقب آن، استقلال ناقص مصر در سال ۱۹۲۲م. و همچنین، شروع فعالیت بر سر تدوین قانون اساسی و حکومت پارلمانی در این کشور از سال‌های ۱۹۲۳ و ۱۹۲۴م. احزاب دیگری سر برآوردند.

«وفد مصری» که از پایان جنگ جهانی اول تا ۱۹۲۴م. در قالب هیئت اعزامی مصر به کنفرانس صلح پاریس و به‌عنوان مرکز تجمع اقشار وسیع مردم و گروه‌های ملی‌گرا به فعالیت می‌پرداخت، پس از طیف‌بندی‌های سیاسی سال ۱۹۲۴م.، کسوت یک حزب سیاسی با نام «حزب وفد» را پوشید. این حزب از پشتیبانی متخصصان زبده، بورژواهای متعلق به طبقه

1 Albert Hourani, *Arabic thought in the liberal age 1798-1939*, p.179.

حورانی، همان، صص ۲۳۹-۲۴۱.

۲ همان، ص ۲۴۱.

۳ وی در ۱۸۸۲م. به مقام ژنرال کنسول بریتانیا یعنی جایگاه حاکم اول مصر نایل گردید و تا ۱۹۰۶ با سمت نماینده عالی‌رتبه بریتانیا در مصر، کنترل این کشور را در دست داشت.

M. W. Daly (1988), *The Cambridge History of Egypt, Modern Egypt from 1517 to the end of the twentieth century*, Edited by M.W.Daly, Cambridge University Press, vol.2, p.24.

۴ محمود متولی (۱۹۸۰)، *مصر و الحیاة الحزبیه و النیابیه قبل سنة ۱۹۴۲م، دراسة تاریخیة وثاقیه*، قاهره، دارالثقافة للطباعة و النشر، ص ۱۵۷.

ملاکان متوسط و طبقات متوسط شهری و نیز در مواقع بحرانی از حمایت اقشار شهرنشین بهره‌مند بود.^۱ سعد زغلول، رهبر حزب وفد به نسل متقدم‌تری از مصطفی کامل تعلق داشت. وی از مهم‌ترین شخصیت‌های طرفدار عبده بود. تا پیش از جنگ جهانی اول، سعد همچون عبده به تقدم اصلاحات اجتماعی و معنوی بر عمل سیاسی اعتقاد داشت. با وجود این، رویدادهای پس از جنگ جهانی اول همچون فروپاشی عثمانی، اعلامیه صلح ویلسون، افزایش امید کشورهای تحت اشغال برای کسب استقلال و در نهایت واکنش منفی بریتانیا و متفقین به درخواست استقلال مصر، همگی در چرخش نظر سعد زغلول به سمت اولویت استقلال سیاسی مصر بر اصلاحات دیگر تأثیر گذاشتند.^۲

وفد با در دست گرفتن پرچم جنبش ناسیونالیست مصر، جانشین حزب وطنی شد و به پرطرفدارترین و قوی‌ترین حزب در عصر پارلمانی مصر تبدیل گردید. این امر سبب شد احزاب دیگر در اقلیت قرار بگیرند. اقلیت‌ها خود به حزب‌های طرفدار دربار همچون الشعب،^۳ ثروتمندان و اعیان نظیر الإتحاد^۴ و حزب الأحرار، حزب‌های چپ و یا حزب‌های ملی‌گرای تندرو و رادیکال - در رأس آنها حزب وطنی - تقسیم شدند.^۵

در دوران حیات پارلمانی مصر (۱۹۲۳-۱۹۵۲ م)، حزب وفد به‌عنوان حزب اکثریت به‌طور همزمان با چند جبهه روبه‌رو بود: دربار، انگلیس (به‌عنوان دو مخالف اصلی) و احزاب دیگر. به دلایل سیاسی و فشار استبداد شاه و احزاب وابسته آن، وفد غالباً مجبور به ائتلاف با احزاب مدافع قانون اساسی و پارلمان، خاصه حزب الأحرار می‌شد. واکنش حزب

۱ حورانی، تاریخ مردمان عرب، ص ۴۶۳؛ علی‌الدین هلال (۲۰۱۱)، العهد البرلمانی فی مصر من الصعود إلی الانهیار، ۱۹۲۳-۱۹۵۲، القاهرة: الدار المصرية اللبنانية، صص ۱۷۸-۱۸۵؛ ماریوس کامل دیب (۲۰۰۹)، السياسة الحزبية فی مصر الوفد و خصومه (۱۹۱۹-۱۹۳۹)، عبدالسلام رضوان، القاهرة: المركز القومي للترجمة، صص ۳۹-۶۳.

۲ آلبرت حورانی (بی‌تا)، الفكر العربی فی عصر النهضة ۱۷۹۸-۱۹۳۹ م، ترجمه کریم عزقول، بیروت: دارالنهار، صص ۲۵۳-۲۵۷؛ حمید احمدی و یاسمن یاری (۱۳۹۳)، «نقش سعد زغلول در نهضت ناسیونالیسم مصر»، مطالعات تاریخ اسلام؛ ش ۶، صص ۱۷-۲۱.

۳ حزب الشعب در نوامبر ۱۹۳۰ به ریاست اسماعیل صدقی و سرمایه‌داران و مالکان مصری خارج شده از حزب الأحرار ظهور یافت. برای جزئیات بیشتر بنگرید به عبدالرحمن الرفاعی (۱۴۰۹ ق/۱۹۸۹ م)، فی أعقاب الثورة المصرية ثورة ۱۹۱۹ م، ج ۱، قاهره: دارالمعارف، ط ۲، صص ۲۶۷-۲۷۰؛ هلال، صص ۲۴۴-۲۴۸.

۴ حزب الإتحاد در ژانویه ۱۹۲۵ توسط اسماعیل صدقی، برخی از منفصلین از حزب وفد و رئیس دربار، حسن نشات پاشا در حمایت از طبقه زمینداران و دربار پدید آمد. برای جزئیات بیشتر بنگرید به الرفاعی، فی أعقاب الثورة، ج ۱، صص ۲۶۷-۲۷۰؛ هلال، همان، صص ۲۴۴-۲۴۸.

۵ برای شناخت این احزاب نک: دیب، همان، صص ۱۳۰-۱۳۵، ۱۸۸-۲۰۵، ۲۳۸-۲۴۷.

وطنی در برابر وفد به هنگام انقلاب ۱۹۱۹م. و نخستین پارلمان، دوستانه و بر پایه همکاری بود. اما پس از به قدرت رسیدن حزب وفد در مجلس و کابینه دولت و اقتضای اتخاذ سیاست‌های محافظه کارانه و معتدل‌تر در کرسی قدرت، حزب وطنی که حزبی رادیکال بود، راه خود را جدا نمود. اگرچه اکنون این حزب دیگر یک حزب اقلیت بود، اما با این حال توانست برخی از کرسی‌های مجلس نمایندگان و سنا و حتی پست‌های وزارت را در کابینه برخی از نخست‌وزیران تصاحب کند.^۱ بر خلاف حزب وطنی، جاذبه حزب وفد پس از مرگ مؤسس آن کماکان باقی ماند و با وجود اختلاف میان رهبران و انشعاب‌های آن، تا چندین سال پس از جنگ جهانی دوم سخنگوی ملت مصر بود.^۲

بنیانگذار، مهم‌ترین و محبوب‌ترین رهبر حزب وفد، سعد زغلول بود که در صفحات تاریخ ملی مصر جایگاهی شیشه به مصدق در نهضت ملی ایران داشت. خانه وی - که از همان نخستین روزهای پس از جنگ جهانی اول محل آمدوشد و گفت‌وگو در باب مسئله استقلال شد - به «خانه ملت» (بیت الأمة) و همسرش، صفیه زغلول نیز به «أم المصریین» معروف گشت.^۳ سعد به دلیل پیوند خانوادگی با یکی از بزرگان سیاسی مصر، مناصب دولتی مهمی را پیش از جنگ جهانی تجربه کرده بود. جنگ جهانی مسیر، عملکرد و مرتبه وی را به شدت تحت تأثیر قرار داد. سرپرستی هیئت اعزامی به کنفرانس صلح پاریس، جایگاه وی را در میان محافل مردمی بسی بیشتر از سایر بزرگان و زمینداران مصری تحکیم کرد. تبعید زغلول و وقوع انقلاب ۱۹۱۹م. نقش جدید وی را به عنوان پیشوای نهضت ناسیونالیسم مصر رقم زد. طبیعی می‌نمود بنیان‌گذاری یک حزب توسط او که منادی استقلال کشور بود، سبب شود آن حزب پرطرفدارترین حزب مصر گردد.

با تمام کارشکنی‌های بریتانیا و دربار، شرایط زمانه برای حزب جدید و رهبر آن بسی بیشتر از زمانه مصطفی کامل، فرید و حزب وطنی مساعد و بر وفق مراد بود. از این‌رو هم برنامه‌ها و هم جایگاه برتر رهبران وفد در جنبش ملی‌گرایی بیش از رهبران حزب وطنی عملی و حفظ شد. تداوم این امر سبب گردید نام سعد زغلول بیش از مصطفی کامل در اذهان و زبان‌های مردم و ملی‌گرایان مصر باقی بماند. امری که واکنش ناسیونالیست‌های حزب

۱ برای اطلاع از این تغییرات نک: دیب، همان، صص ۶۶-۷۰ و صص ۱۳۳، ۱۸۹، ۲۴۷.

۲ حورانی، تاریخ مردمان عرب، ص ۴۶۳.

۳ عباس محمود العقاد (۱۹۸۸)، سعد زغلول زعيم الثورة، قاهره: دارالهلل، الطبعة الأولى ۱۹۳۶م، ص ۹.

اقلیتِ وطنی چون عبدالرحن رافعی، مورخ نامدار ملی‌گرای مصر (۱۸۸۹-۱۹۶۶م) را برانگیخت. خیلی زود، رقابت‌های شدید حزبی به‌ویژه میان حزب وطنی و حزب وفد در فضای سیاسی کشور، خود را در تاریخ‌نگاشته‌ها و تولید متون تاریخی نشان داد. تاریخ‌نویسان ملی‌گرای این دو حزب، مدعی نگارش تاریخ ملت و نهضت ملی‌گرایی شدند اما ثقل توجه‌شان، همان تاریخ سیاسی دولت‌ها و رهبران نهضت بود. این تاریخ‌نویسان که با یکدیگر در رقابت حزبی شدیدی قرار داشتند، به تولید زندگی‌نامهٔ رهبران حزب با هدف الگوسازی و ارائه «مثل الأعلى» یا تصویر آرمانی و یا ثبت تاریخ حزبشان پرداختند. در روایت‌های تاریخی این گروه از ناسیونالیست‌ها، تقریباً همیشه حوادث جنبش ناسیونالیسم در تاریخ مصر با تحولات و مسائل تاریخ حزب یکسان پنداشته می‌شد. سیر حوادث از زاویهٔ برجسته‌سازی حزب و اصول آن روایت می‌شد، همچنان که رقبا و دشمنان حزب مانند انگلیس، دربار و دیگر احزاب به حاشیه رانده می‌شدند.

بیشترین آثار در نوع تاریخ‌نگاری زندگی‌نامه‌نویسی در حزب وفد پدید آمد و البته موضوع آنها بر شخصیت سعد زغلول تمرکز داشت. این نوشته‌ها در قالب زندگی‌نامه، یادنامه، خاطرات و ... منتشر می‌شدند. نویسندگان آنها غالباً تلاش می‌کردند سعد زغلول را نه تنها به‌عنوان مؤسس حزب وفد، بلکه به‌عنوان بنیانگذار ناسیونالیسم در مصر و نیز پایه‌گذار نخستین و مؤثرترین انقلاب در جهت استقلال مصر (انقلاب ۱۹۱۹م) برجسته کنند. پیام نهایی این برجسته‌سازی این بود که مستقیم‌ترین راه برای رسیدن به استقلال کامل کشور و رهایی از سلطهٔ بیگانه، پیروی از بهترین الگوی آرمانی (مثل الأعلى) یعنی سعد زغلول است. از آن‌جا که دیگر رهبران وفدی، نتوانستند به محبوبیت و جایگاهی نظیر زغلول دست یابند، این تصویر آرمانی از آنان ساخته نشد. یکی دو اثری که در مورد مصطفی نحاس تولید شد، بیشتر با هدف مبری نمودن او از اتهاماتی بود که پیرامون قرارداد ۱۹۳۶، واقعه ۴ فوریه ۱۹۴۲م و نیز اتهام اختلاس و فساد به نحاس وارد شده بود.

چنان‌که اشاره شد همزمان با تأسیس حزب، نخستین یادداشت‌ها و کتاب‌ها در مورد زغلول منتشر شد. در ادامه، منتخبی از مهم‌ترین این متون که تا پیش از ۱۹۵۲م. تولید شده است در یک جدول ارائه می‌شود. غالب این متون در ساخت نمونهٔ آرمانی (مثل الأعلى) از سعد مشترک بودند.

جدول ۱. منتخبی از کتاب‌هایی که در مورد سعد زغلول که تا ۱۹۵۲م. نوشته شدند^۱

سال	نویسنده	عنوان	گرایش
۱۹۲۷م.	احمد حسین القورانی	ذکر سعد	یادنامه
۱۹۲۷م.	محمد اسماعیل بوحیری	عبرت الشرق	زندگی‌نامه
۱۹۲۷م.	احمد فهمی حافظ	سعد زغلول پاشا	زندگی‌نامه سیاسی
۱۹۲۷م.	فولاد بیگین	سعد زغلول	زندگی‌نامه به زبان فرانسه
۱۹۲۷م.	محمد ابراهیم الجزیری	آثار الزعیم سعد زغلول (جلد ۲)	زندگی‌نامه
۱۹۲۸م.	اویس عثمان	دموع الشعرا	مرثیه
۱۹۲۹م.	کریم خلیل ثابت	سعد	زندگی‌نامه
۱۹۳۰م.	عبید مکرم	عزمه سعد	زندگی‌نامه
۱۹۳۶م.	عباس محمود عقاد	سعد زغلول، زعیم الثورة	زندگی‌نامه
۱۹۴۲م.	عباس حسن الزیات	سعد زغلول	زندگی‌نامه
۱۹۵۲م.	نحاس یوسف	ذکریات سعد	من و سعد

یکی از این آثار که از شهرت و معروفیت ویژه‌ای برخوردار شد، کتاب سعد زغلول به قلم محمود عباس عقاد بود. عقاد در یک خانواده مذهبی در شهر اسوان به سال ۱۸۸۹م. متولد شد. پدرش دفتردار مرکز اسناد این شهر بود.^۲ محمود عباس دوره تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در سال ۱۸۹۶م. در شهر اسوان و رشته دبیرستان را در رشته برق و شیمی در مدرسه فنی قاهره به پایان رساند.^۳ او پس از اتمام تحصیلات در سال ۱۹۰۴م. در اداره راه‌آهن شهر قنا مشغول به کار شد و پس از اندکی با انتقال به زقازیق و قاهره در وزارت اوقاف به کار روزنامه‌نگاری پرداخت.^۴ با وجودی که عباس جوان در رشته فنی تحصیل کرد، اما علاقه وافر به ادبیات و شعر، او را به محفل ادبا و روزنامه‌نگاران قاهره کشاند. در این محافل، گرایش‌های ناسیونالیست به‌طور فزاینده‌ای در حال رشد بود. تحت تأثیر این محیط، عباس محمود هم دیوان ادبی و هم مقالات

۱ این جدول از Cupua, p. 328 برگرفته شده است.

۲ رضانزاد، همان، ص ۱۲۳.

۳ همان، ص ۱۲۳.

۴ همان، ص ۱۲۴.

سیاسی و ضداستعماری تولید کرد.^۱ در سال ۱۹۱۲م، او به نشر دیوان اشعار خود و ترجمه آثار ادبی مشهور جهان همچون تولستوی و هیوم در انتشارات دارالهلال پرداخت.^۲ پس از سال‌ها مطالعه و تلاش، جایگاه ادبی عقاد آن‌چنان رشد یافت که در ۱۹۳۴م. یک محفل ادبی در پاسداشت مقام علمی و ادبی او برگزار شد و در ۱۹۳۸م. به عضویت انجمن زبان عربی قاهره و نیز انجمن‌های زبان عربی دمشق و بغداد انتخاب شد.^۳ از جمله نقاط عطف در زندگی عباس محمود سال ۱۹۰۷م. است. در این سال، در حالی که عقاد نخستین مقالات ضداستبدادی و استعماری خویش را در روزنامه اصلی حزب وطنی (یعنی اللواء) به چاپ رساند،^۴ با سعد زغلول آشنا شد. عقاد جوان به قدری از این آشنایی متأثر شد که به حلقه طرفداران زغلول پیوست. وی به رغم ناخشنودی حزب وطنی، مقاله‌ای در ستایش از سعد در اللواء به چاپ رساند. همین آشنایی، سبب عضویت او در حزب وفد به سال ۱۹۲۳م. شد. در فاصله سالهای ۱۹۲۳-۱۹۲۹م، عقاد در روزنامه الاخبار به سردبیری مصطفی رافعی به نگارش مقالات هفته‌ای مشغول بود. او در این روزنامه و روزنامه‌های دیگر چندین مقاله در طرفداری و تمجید از حزب وفد و رهبر آن به رشته تحریر درآورد. همچنین یک کتاب با عنوان الفصول در ستایش از زغلول نگاشت. سعد نیز در مقام سپاسگذاری، تقدیرنامه‌ای به او اهدا کرد.^۵ در سال ۱۹۲۹م. و به دنبال مرگ زغلول و روی کار آمدن کابینه اسماعیل صدقی که طرفدار شاه و به شدت ضد وفد بود، عباس محمود به اتهام توهین به مقام پادشاه به مدت نه ماه به زندان افتاد. با وجود این، او پس از آزادی از زندان، قصیده‌ای در رثای سعد زغلول سرود^۶ و به فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی سابقش ادامه داد.

در سال ۱۹۳۳م. روابط عقاد با مصطفی نحاس، رهبر وقت حزب وفد، به سبب اختلافاتی تیره شد. رؤسای وفد از چاپ مقالات او در روزنامه وفد (یعنی البلاغ الأسبوعی) خودداری کردند. مجموع این شرایط سبب جدایی عقاد از حزب وفد شد.^۷ او ضمن کناره‌گیری طولانی مدت از فعالیت‌های سیاسی در دهه ۱۹۳۰م، به نگارش چندین کتاب و انجام فعالیت‌های

۱ نک: رحمان دوست، همان، صص ۷، ۸.

۲ همان، صص ۹.

۳ رضائزاد، همان، صص ۱۲۴.

۴ رحمان دوست، همان، صص ۸.

۵ همان، صص ۹، ۱۱؛ رضائزاد، همان، صص ۱۲۵.

۶ رحمان دوست، همان، صص ۱۱.

۷ طاهر یونس (۲۰۰۲)، همان، صص ۳ به نقل از رحمان دوست، همان، صص ۱۱، ۱۲.

فرهنگی در روزنامه‌های مختلف مانند *الأزهر*، *اخبار الیوم* و *الهلال* مشغول شد.^۱ پس از عقد قرارداد ۱۹۳۶م. (میان مصطفی نحاس با بریتانیا)، عقاد کتاب سعد زغلول (۱۹۳۶م.) را نگاشت و در فوریه همین سال، در مقاله‌ای به نقد عملکرد احزاب در مصر پرداخت که با عکس‌العمل شدید روزنامه‌های حزبی مواجه شد.^۲ سال بعد نیز عباس محمود در چندین یادداشت و نوشتار، آشکارا به عملکرد نحاس پاشا، نخست‌وزیر وقت خرده گرفت که سبب بازداشت و حبس او در زندان شد.^۳

با شروع جنگ جهانی دوم، عقاد به مخالفت با نازی‌ها، فاشیست‌ها، استعمار انگلیس و صهیونیسم پرداخت.^۴ تمایلات اندیشگانی محمود عباس پس از جنگ جهانی دوم به اسلام‌گرایی، سبب تولید کتاب‌هایی با موضوعات اسلامی نظیر *عقبریه محمد(ص)*، *عقبریه عمر*، *الاسلام فی القرن العشرين* و ... گردید. در جریان اصلاحات فرهنگی انقلابیون ۱۹۵۲م.، عقاد به عضویت مجلس فنون و ادبیات درآمد و در سال ۱۹۶۰م. جایزه تشویق دولت انقلابی ناصر را دریافت کرد.^۵ عباس محمود پس از عمری تلاش در حوزه‌های سیاست، ادبیات و تاریخ، در قاهره در ۱۹۶۴م. دارفانی را وداع گفت. کتاب *سعد زغلول* او یکی از مهم‌ترین زندگی‌نامه‌نوشته‌هایی است که در مورد این رهبر وفدی نگاشته شده است که بخش پایانی مقاله، به تحلیل این اثر و بررسی چگونگی بازنمایی زندگی زغلول در آن اختصاص می‌یابد.

تحلیل متن سعد زغلول، زعیم الثورة نگاشته‌ی عباس محمود عقاد

این کتاب را عباس محمود عقاد پس از عقد قرارداد ۱۹۳۶م. نگاشت.^۶ شاید یکی از دلایلی که در تشویق عقاد در این قلم‌زنی موثر بود، همین قرارداد بوده باشد. چرا که در این زمان بر سر دستاورد مثبت یا منفی قراردادی که نحاس، رهبر وقت حزب وفد با انگلیسی‌ها منعقد ساخته بود، میان محافل ناسیونالیستی و روشنفکری بحث بود. همچنین از آن‌جا که این قرارداد، استقلال کامل را برای مصر به ارمغان نیاورد، برخی از محافل تمام تلاش‌ها و دستاوردهای جنبش‌ها و

۱ رحمان دوست، همان، ص ۱۲.

۲ طاهر الطناهی، همان، ص ۲۰، به نقل از رحمان دوست، همان، ص ۱۲.

۳ عامر عقاد (۲۰۰۱)، همان، ص ۱۰۵، ۱۰۶ به نقل از رحمان دوست، همان، ص ۱۴.

۴ بروکلیمان، همان، صص ۲۹۱، ۲۹۲ به نقل از رضا نژاد، همان، ص ۱۲۵.

۵ رضا نژاد، همان، ص ۱۲۴.

۶ عباس محمود العقاد (۱۹۸۸)، سعد زغلول زعیم الثورة، القاهرة: نهضة مصر للطباعة و النشر و التوزیع و دارالهلال، الطبعة الأولى ۱۹۳۶م.

رهبران ناسیونالیست مصر را نادیده گرفتند. آنها با لحن آمیخته به سرزنش رهبران ملی را در ماندگانی لقب دادند که از رسیدن به اهداف خود به‌ویژه استقلال عاجزند.^۱

در این میان، واکنش محمود عباس به این انتقادات و خود قرارداد ۱۹۳۶م. در قالب نگارش کتاب سعد زغلول جالب توجه است. او به سبب اختلافاتش با نحاس و انتقادهایش از عملکرد و سیاست‌های وقت حزب وفد، در مورد قرارداد سکوت کرد. اما به دلیل تعلق خاطر شدید به گذشته این حزب و مؤسس آن به دفاع از رهبری سعد و جنبش ناسیونالیست او در انقلاب ۱۹۱۹م. در این کتاب پرداخت.

او در مقدمه با ذکر این مسئله که یک ملت، هنگامی به میزان پیشرفت و پیروزی در خواسته‌هایش پی می‌برد که دستاوردهایش را با گذشته مقایسه نماید چرا که میان گذشته و اکنون ارتباط برقرار است.^۲ در پاسخ به همان طعن، عقاد ابتدا تصویر مختصری از سیطره همه‌جانبه انگلیسی‌ها بر مصر ارائه داد که چگونه پیش از جنگ جهانی اول و هنگامه انقلاب ۱۹۱۹م. بر بستر سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این سرزمین سایه افکنده بود. سپس تأکید کرد که نهضت ملت مصر و جنبش ناسیونالیسم در این فضای خفقان و سنگین به فعالیت پرداخت و به سبب دو خصوصیت از دیگر جنبش‌ها برتر گردید. اول آنکه رهبر و پیشوای آن، رهبر یک گروه یا طبقه خاص نبود و دیگر آنکه راهی که برای استقلال انتخاب نمود به راه یا نظریه خاصی محدود نشد.^۳

عقاد با هدف برجسته‌سازی قرارداد ۱۹۳۶م. بر مفاد مثبت آن همچون الغای امتیازات بریتانیا پیش از سال ۱۹۳۶، پایان اشغال نظامی مصر و خروج انگلیسی‌ها (الجلاء) تأکید کرد. اما بلافاصله با آوردن این جملات که «تنها پیشوایی همچون زغلول بود که هیچ‌گاه یک قرارداد ناقص را امضا نمی‌کرد و به استقلال کامل مصر، مسئله سودان و نیز وحدت وفد و ملت، حریص بود»^۴ سعی دارد نحاس، منعقد قرارداد را به حاشیه براند.

این نویسنده ادیب، واکنشی دووجهی به قرارداد ۱۹۳۶م. نشان داد، یعنی اصل جنبش ملی وفد و نخستین پیشوای آن زغلول را تأیید نمود؛ اما از هیئت رئیسه بعدی آن به‌ویژه نحاس انتقاد کرد. بدین‌گونه عقاد، الگوی آرمانی رهبری (مثل الأعلى) را در چهره زغلول ترسیم نمود

۱ عباس محمود در مقدمه کتابش به این مسئله اشاره کرده است: عقاد، مقدمه کتاب سعد زغلول، ص ۳.

۲ همان، مقدمه عقاد، ص ۳، ۵.

۳ همان، ص ۴.

۴ همان، ص ۵.

و آن را از پیشوای حزبی پس از او سلب کرد. چنانکه در بخش زیست‌نامه گفته آمد این واکنش را باید به تیرگی روابط عقاد با نحاس پاشا و فاصله گرفتن او از عملکرد رهبران حزب وفد در ۱۹۳۳م. و پس از آن به حساب آورد که در نهایت به جدایی او از این حزب پس از جنگ جهانی دوم منجر شد.^۱

به همین دلیل ذکر شده بود که نویسنده در سراسر کتاب تلاش کرد نهضت ملی و انقلاب ۱۹۱۹م. را تأیید و برجسته نماید. از این رو لقبی را که در عنوان کتاب به سعد زغلول می‌دهد «زعیم الثورة» (رهبر انقلاب) است. به علاوه اینکه متن، نقطه عطف زندگی سعد زغلول را از پایان جنگ جهانی اول به حساب آورد و زندگی سعد را تا پیش از این تاریخ تنها در یک صفحه با عنوان «سعد فی سطور» روایت کرد.^۲ از سوی دیگر، با هدف بزرگ‌نمایی انقلاب ۱۹۱۹م. به عنوان یک انقلاب مردمی، یک فصل به آن اختصاص داده شد.^۳ تظاهرات متعاقب تبعید زغلول و همراهانش ناشی از انقلاب تعبیر شد نه آن که به وجود آورنده آن باشد.^۴ متن تأکید کرد که «علی أن الثورة لم تكن فورة غضب بغير معنى كما أراد أعداؤها و الناقمون منها أن يتخلوها، فلو كانت كذلك لما ظهر من نفحات النخوة القومية و الأريحية الإنسانية التي ترتفع إليها الشعوب... و تجلت بسالة التضحية على مثال... ماسطرت تواريخ الجهاد و الفداء في و ثبات الأمم».^۵

از همان ابتدا، در مقابل بزرگ‌ترین مصداق خودی (زغلول)، انگلیس به عنوان غیر خودی و دیگری اصلی در متن برجسته گردید. در سراسر کتاب، رفتارها، اقدامات او به عنوان کارشکنی و مانع بزرگی بر سر راه اهداف سعد و نهضت ملی مصر تعبیر شد.^۶ عملکرد ملک فؤاد نیز به عنوان دومین دیگری و غیر خودی در برابر ملی‌گرایان و زغلول روایت شد، گرچه به اندازه کنش انگلیس پررنگ نگردید.^۷

۱ برای اطلاعات بیشتر خاصه تبلور زبانی این خصومت عقاد در مطبوعات نک: نجوی کامل (۱۴۲۴ق/۲۰۰۳م)، رواد الصحافة الوفدية مندرج در: بدوی، جمال و المطيعي لمعی، تاریخ الوفد [مجموعه مقالات]، قاهرة: دار الشروق، صص ۵۲۵، ۵۲۶؛ رحمان دوست، همان، صص ۵-۲۲ و صص ۱۰-۱۲.

۲ العقاد، سعد زغلول، ص ۷.

۳ همان، فصل الثورة، صص ۱۳-۲۳.

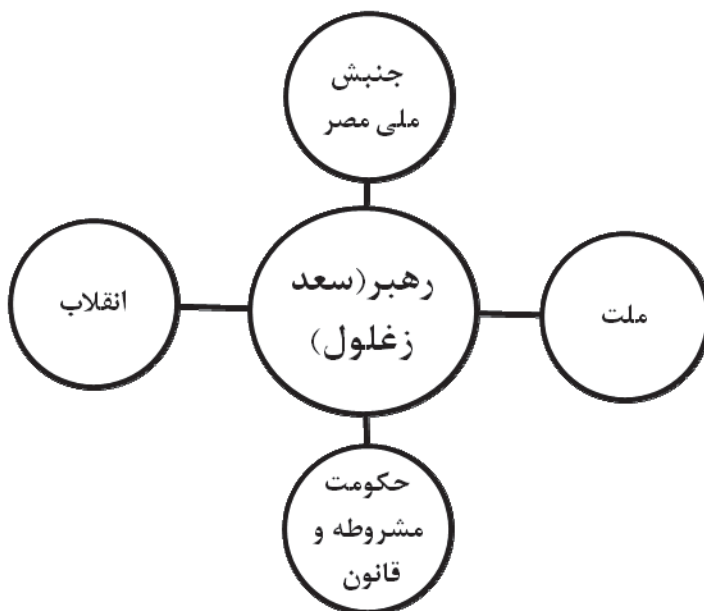
۴ همان، ص ۱۴.

۵ معنی کلی این نقل قول را می‌توان چنین ترجمه کرد: انقلاب به رغم گفته دشمنان و منتقدان - فوران خشم نبود بلکه از همت بلند ملی‌گرایی و رایحه انسانی نشأت گرفت و سرشار از فداکاری، ثبات و ایثار بود. (همان، ص ۱۷).

۶ برای نمونه نک: همان، ص ۱۲۰.

۷ برای نمونه نک: همان، صص ۸۸، ۹۲، ۹۱.

بر این اساس و نیز با توجه به واژگان به کار رفته در مورد هر مصداق و کل بازنمایی زندگی زغلول می‌توانیم به مؤلفه‌های محوری متن پی ببریم که در عین حال مفاهیم مهم تاریخ‌نگاری عقاد نیز هستند. این مؤلفه‌ها «جنبش ملی مصر»، «انقلاب»، «پیشوا و رهبر»، «ملت» و «حکومت مشروطه و قانون‌مدار» (به عربی: النهضة المصرية، الثورة، الزعيم، الأمة و حکومت دستور) بودند. بر اساس این مؤلفه‌ها، مصداق‌های خودی و دیگری‌ها ساخته و در روایت متن چینش شدند. در این بین، مؤلفه محوری کتاب، عنصر «پیشوا و رهبر» بود. این مؤلفه به قدری مهم بود که تمام حوادث و تحولات پیرامون او، چینش، روایت و حتی قضاوت شد (نگاه کنید به شکل ۱. مؤلفه‌های محوری متن).



شکل ۱. مؤلفه‌های محوری متن

اما کتاب چه چهره‌ای از سعد به‌عنوان بزرگ‌ترین مصداق خودی به تصویر کشید؟ عقاد، خود زغلول را بهترین نمونه و الگوی آرمانی (مثل الأعلى) در میان رهبران مصر نامید.^۱ او در اثبات سخن خود میان وی و مابقی مؤلفه‌های محوری‌اش رابطه مثبت و سازنده‌ای برقرار

۱ برای نمونه نک: همان، صص ۱۴۳، ۱۴۴.

ساخت. همهٔ واژگان و جملاتی که در مورد سعد به کار رفت، برای اثبات این ادعا و پیوند بود. پرکاربردترین این واژگان عبارت بود از زعیم (رهبر - پراستعمال‌ترین کلمه) با عبارت‌های مشابه چون زعیم الثورة، زعیم الوطنی، زعیم الشرق الکبیر (بزرگ‌ترین رهبر مشرق زمین)، أبی الديمقراطية المصرية (پدر دموکراسی مصر) و شجاعة.^۱

همان‌گونه که در بخش پیشین اشاره شد، حزبی‌های تاریخ‌نویس این زیست‌جهان، تاریخ را تنها سیاسی می‌دیدند، از این‌رو آنچه از زندگی زغلول برجسته شد، زندگی سیاسی او بدون نقد رویکردها و اقدامات فرهنگی و اقتصادی‌اش^۲ بود. در زندگی سیاسی سعد نیز، بسی بیشتر از عقاید و نظرات سیاسی‌اش، بر تلاش وی برای استقلال مصر در مذاکرات با انگلیس و فعالیتش در پارلمان و وزارت تأکید شد. در گزارش تمام این وقایع، این مسئله بزرگ جلوه داده می‌شد که به‌رغم تمام موانع و مشکلات، حتی تبعید زغلول از وطن، سقوط کابینه و انحلال مجلس و برکناری سعد از ریاست مجلس او هیچ‌گاه در ادامهٔ راه و تلاش برای استقلال از پای ننشست. این برجسته‌سازی هم پاسخی به همان نظر طعن‌آمیز ناتوانی رهبران و جنبش‌های ملی مصر بود و هم انتقاد از رهبری نحاس که به امضای قراردادی ناقص رضایت داده بود. در ذیل برخی از شواهد این برجسته‌سازی ذکر می‌گردد.

محمود عباس در قسمتی از اثر خود گزارش می‌کند که سعد زغلول و یارانش (بدون ذکر نام آنها!)^۳ در تبعیدگاه نیز به رغم تهدید از طریق تلگراف و نامه‌های متعدد اهدافتشان را دنبال کرده و خواستار پایان تحت‌الحمایگی مصر شدند.^۴ یا هنگامی که در پاریس، دول اروپایی و ویلسون تحت‌الحمایگی مصر را تأیید کردند و گروه وفد مأیوس شدند، سعد تنها کسی بود که ناامید نشد و با تکیه بر این عقیده که قدرت مردم بالاتر از حکومت است (الشعب فوق

۱ برای نمونه نک: همان، صص ۱۰۱، ۱۱۰، ۱۱۴، ۱۲۱.

۲ برای اطلاعات بیشتر در مورد اقدامات فرهنگی سعد مانند اصلاحات در زمینه نظام آموزش مدارس و رویکردهای اقتصادی‌اش نک: حسن الفقی (۱۹۷۴)، *التاریخ التنقافی فی التعلیم فی مصر*؛ قاهره: دارالمعارف؛ الطبعة الثالثة؛ الطبعة الأولى ۱۹۶۵م، صص ۱۵۲-۱۵۴؛ وزارة المعارف العمومية (۱۹۴۳)، *تقریر عن اصلاح التعلیم فی مصر*؛ القاهرة: المطبعة الأمیریة بیولاقی، صص ۵۷-۸۷؛ احمدی و یاری، همان، صص ۱۸-۱۹؛

M. K. Harby and M. El-Hadi (1958), "Education in Modern Egypt ; International Review of Education", *Internationale Zeitschrift fürErziehungswissenschaft; Revue Internationale de l'Education*, Vol. 4, No. 4, , p.428.

M. A. Faksh (1976), "Historical Survey of the Educational System in Egypt", *International Review of Education, Internationale Zeitschrift fürErziehungswissenschaft / Revue Internationale de l'Education*, Vol. 22, No. 2 , p.238.

۳ العقاد، همان، ص ۱۲.

۴ همان، صص ۲۳، ۲۴.

الحکومة)، راه استقلال را دنبال کرد و به گفت‌وگو در مورد حقوق مصر با وزرا و محافل اروپایی پرداخت.^۱ همچنین در یک انتقاد غیرمستقیم دیگر به قرارداد ناقص نحاس‌پاشا بر این مسئله تأکید شد که سعد در باب مسئله سودان و استقلال کامل تا حدی پافشاری نمود که به تبعید وی از وطن انجامید.^۲ علاوه بر این با برقراری پیوند میان رهبر انقلاب با مؤلفه قانون و مجلس، جایگاه سعد در متن و در بین دیگر رهبران ملی‌گرا برجسته‌تر می‌شود. بنا به گزارش دیگری در متن، ملت مصر هیچ‌گاه حکومت را از جنس خود نمی‌دانست و همیشه فاصله‌ای را با آن احساس می‌کرد. اما وزارت سعد این آگاهی را در اذهان مردم به‌وجود آورد که حکومت بخشی از ملت است که وظیفه دفاع و رهبری و اصلاح امور آنها را عهده‌دار است. زغلول در پست‌های مختلف همچون وزارت و ریاست پارلمان ثابت نمود که به رعایت قانون اساسی کاملاً پایبند است.^۳ فریاد شعارهای مردمی «زنده باد پادشاه و سعد»؛ «پاینده باد مصر و شاه» («بعیش الملک و یحیا سعد»؛ «لتحیی مصر و لیحیی الملک») در روز افتتاح پارلمان، شعارهایی بی‌سابقه در تاریخ مصر بود. این شعارها نشانه از میان رفتن فاصله میان دربار و ملت بود که در نتیجه تلاش‌های زغلول صورت گرفت.^۴

بزرگ‌ترین برجسته‌سازی از نقش سعد زغلول و ساخت یک الگوی آرمانی (مثل الأعلى) از او در فصل پایانی کتاب، با عنوان «زعامة سعد و أثرها» صورت گرفت. مروری از بازنمایی نویسنده در این فصل مفید خواهد بود. در حالی که مؤلف، معجزه هر پیامبری را متناسب با خصلت‌های قوم آن پیامبر معرفی می‌کند،^۵ دلیل برتری رهبری سعد نسبت به دیگر رهبران مصر را در این می‌داند که وی کشاورزی بود که در میان ملت کشاورز مبعوث شد. به همین دلیل او که از جنس خود این مردم و دارای «عنایت الهی» بود توانست بهترین الگو و مثال عالی برای مصریان باشد.^۶ زغلول شایسته‌ترین و بهترین صفات و ویژگی‌ها را در میان رهبران مصر دارا بود که تنها می‌توانست برخاسته از یک الهام فطری باشد.^۷ الهامی که سبب گردید، زغلول

۱ همان، صص ۳۶-۴۴.

۲ همان، صص ۷۶-۷۹.

۳ برای نمونه نک: همان، صص ۹۹، ۱۴۳، ۱۴۴.

۴ همان، ص ۱۰۲.

۵ به عنوان مثال معجزه موسی متناسب با ملت ساحر و کاهن، مربوط به سحر بود. معجزه قرآن پیامبر در مردم فصیح و بلیغ صورت گرفت. همان، ص ۱۴۵.

۶ همان، صص ۱۴۵-۱۴۸، ۱۵۱.

۷ برجسته‌ترین این صفات، رهبری، فصاحت، خطابه، اراده محکم و جوانمردی نام برده شدند. همچنین کراهت و بی‌زاری از استبداد و رهبری مردم را از صفاتی دانست که در ذات سعد زغلول همیشه وجود داشته است: «فکراهة الاستبداد فی طبعه... و قيادة الشعوب فی طبعه...» همان، صص ۱۴۵-۱۵۳.

بهترین عمل را در شرایط بحرانی پیش‌روی خود اتخاذ کند. زغلول مسلح به این صفات، آغازین رهبری در مصر بود که خواهان استقلال تام هم از عثمانی و هم از انگلیس شد. او بود که به مصریان آموخت که ورای دین، نژاد و جنسیت، یک ملت هستند. در نتیجه تلاش وی تعصبات مذهبی در جنبش ملی‌گرایی مصر محو گردید و برای نخستین بار زنان در انقلاب ملی ۱۹۱۹م. به مشارکت سیاسی دست زدند.^۱ این سخنان، نهایت کوشش عقاد برای برجسته‌نمایی و مشروعیت‌سازی برای یک رهبر در فضای رقابت‌های ناسیونالیسم در مصر بود.

نتیجه‌گیری

این مقاله در پی بررسی و شناخت چگونگی طرح یک رهبر آرمانی و الگوسازی شخصیت سعد زغلول، بنیانگذار حزب وفد در کتاب سعد زغلول نوشته‌ی عباس محمود عقاد بود. روش اتخاذ شده مطالعه‌ی شاخصه‌های تاریخ‌نگاری این متن با در نظر گرفتن روابط میان متن با نویسنده و شرایط سیاسی-اندیشگانی زمانه‌ی مؤلف بود. پس از عقد قرارداد ۱۹۳۶م. میان مصطفی نحاس، رهبر وقت حزب وفد با بریتانیا، در بین محافل روشنفکری و ناسیونالیستی مصری بر سر دستاورد مثبت یا منفی این قرارداد بحث و گفت‌وگو بود. برخی از این محافل به‌ویژه احزاب رقیب و ناسیونالیست‌های رادیکال به دلیل آن‌که این قرارداد استقلال کامل را برای مصر به ارمغان نیاورد، حکم به ناتوانی تمام نهضت‌ها و رهبران مصری در نیل به مهم‌ترین هدف خود یعنی استقلال دادند. در واکنش به این نظر، عباس محمود عقاد به‌عنوان یک عضو سابق حزب وفد به دفاع از آن پرداخت، اما به‌دلیل دشمنی و اختلاف نظر با رهبر وقت وفد، مصطفی نحاس و علاقه شدید به سعد زغلول، به تألیف متن سعد زغلول، زعیم الثورة پرداخت. عقاد تحت تأثیر متون پیشین حزبی در مورد سعد و در رقابت با نحاس، طرح ویژه‌ای از زندگانی زغلول به‌عنوان رهبر آرمانی مصر ترسیم کرد. او در این طرح، زغلول را به‌عنوان بهترین نمونه‌ی مثل‌الاعلی در رهبران مصر، پیشوای واقعی جنبش ناسیونالیسم مصر و بهترین الگوی تبعیت برای مبارزه در راه استقلال کشور بازنمایی کرد.

منابع و مآخذ

- آشوری، داریوش (۱۳۶۶)، *دانشنامه سیاسی*، تهران: انتشارات سهروردی با همکاری مروارید.
- آیین‌ه‌وند، صادق (۱۳۸۲)، *تاریخ‌نگاری مورخان معاصر عرب (مکتب‌ها و گرایش‌ها) سلسله نشست‌های*

- علمی-پژوهشی انجمن تاریخ پژوهان، تهران: انجمن تاریخ پژوهان.
- احمدی، حمید و یاری، یاسمن (۱۳۹۳)، «نقش سعد زغلول در نهضت ناسیونالیسم مصر»، مطالعات تاریخ اسلام، ش ۶، ص ۲۱، صص ۷-۲۸.
- اشرفی، جمال (۱۳۸۸)، مکتب‌ها و رهیافت‌های تاریخ‌نگاران معاصر عرب با تأکید بر عقاد، عش و جوادعلی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ اسلام به راهنمایی دکتر صادق آیینه‌وند، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
- بدوی، جمال و المطیعی لمعی (۱۴۲۴ق/۲۰۰۳)، تاریخ الوفد- [مجموعه مقالات]، قاهره: دارالشروق.
- الجمیعی، عبدالمنعم ابراهیم (۲۰۰۷)، حركة التالیف التاریخی فی مصر الحدیثه و المعاصره، القاهره: الهیئة العامة لتصور الثقافة.
- حورانی، آلبرت (بی‌تا)، الفکر العربی فی عصر النهضة ۱۷۹۸-۱۹۳۹م، ترجمه کریم عزقول، بیروت: دارالنهار.
- ---- (۱۳۸۷)، تاریخ مردمان عرب، ترجمه فرید جواهر کلام، تهران: امیرکبیر، چ ۲.
- خدوری، مجید (۱۳۷۴)، گرایش‌های سیاسی در جهان عرب، عبدالرحمن عالم، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، چ ۳.
- دیب، ماریوس کامل (۲۰۰۹)، السیاسة الحزبیه فی مصر الوفد و خصومه (۱۹۱۹-۱۹۳۹)، عبدالسلام رضوان، القاهرة، المركز القومي للترجمة.
- الرفاعی، عبدالرحمن (۱۴۰۹ق/۱۹۸۹م)، فی أعقاب الثورة المصریة ثورة ۱۹۱۹م، قاهره: دارالمعارف، ط ۲، الطبعة الأولى ۱۹۵۱م، الجزء الاول.
- رحمان دوست، مجتبی (۱۴۲۶ق)، «عباس محمود عقاد: نشاطاته و آثاره»، مجلة اللغة العربیة و آدابها، السنة الاولی، العدد ۲، صص ۵-۲۲.
- رضائزاد، عزالدین (۱۳۸۶)، «پیشگامان تقرب: عباس محمود عقاد: شاعر، ادیب و نویسنده اصلاح‌گر مصری»، مجله اندیشه تقرب، ش ۱۳، صص ۱۲۱-۱۳۰.
- شرابی، هشام (۱۳۶۸)، روشنفکران عرب و غرب: سالهای تکوین ۱۸۱۵-۱۹۱۴، عبدالرحمن عالم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وابسته به وزارت امور خارجه.
- عبدالحی دیاب (۱۹۷۲)، «عباس محمود العقاد (۲۸ یونیو ۱۸۸۹-۱۲ مارس ۱۹۶۴) العقاد شاعرا»، الجدید، العدد ۴، صص ۴، ۵.
- عبدالرحمن صدقی (۱۳۵۲)، «الکتب: هدیة الكروان، مجموعة أشعار للأستاذ عباس محمود العقاد»، الرسالة، العدد ۲۶، صص ۳۸-۴۰.
- عبدالله، أحمد (۱۹۸۸)، تاریخ مصر بین المنهج العلمی و الصراع الحزبی، أعمال الندوة الإلتزام و الموضوعیة فی كتابة تاریخ مصر المعاصر ۱۹۵۳-۱۹۱۹/القاهرة-، بی‌جا: دار شهیدی للشر.
- العقاد، عباس محمود (۱۹۸۸)، سعد زغلول زعمیم الثورة، القاهرة: نهضة مصر للطباعة و النشر و التوزیع و

- دارالهیلال، الطبعة الأولى ١٩٣٦م.
- فريد، محمد (١٣٠٨ق)، *البهجة التوفيقية في تاريخ مؤسس العائلة الخديوية*، مطبعة الاميرييه.
 - ---- (١٩١٢)، *تاريخ الدولة العلية العثمانية*، قاهره: مطبعة التقدم بمصر.
 - الفقى، حسن (١٩٧٤)، *التاريخ الثقافى فى التعليم فى مصر*، قاهره: دارالمعارف، الطبعة الثالثة، الطبعة الأولى ١٩٦٥م، صص ١٥٢-١٥٤.
 - كامل، مصطفى (١٩٠٩)، *مسئلة الشرقية*، قاهره: مطبعة اللواء.
 - كرابس، چاك (١٩٩٣)، *كتابه التاريخ فى مصر القرن التاسع عشر: دراسة فى التحول الوطنى*، ترجمه و تعليق عبدالوهاب بكر، قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
 - المبارك ابراهيم و مصطفى جاد أبوالاعلا (ربيع الأول ١٣٥١)، «عباس محمود العقاد»، *المعرفة*، السنة الثانية، الجزء ٤، صص ٤٧١-٤٨٠.
 - متولى، محمود (١٩٨٠)، *مصر و الحياة الحزبية و النيابة قبل سنة ١٩٤٢م*، دراسة تاريخية وثاقية، قاهره: دار الثقافة للطباعة و النشر، ص ١٥٧.
 - وزارة المعارف العمومية (١٩٤٣)، *تقرير عن اصلاح التعليم فى مصر*، القاهره، المطبعة الأميرية ببولاق، صص ٥٧-٨٧.
 - هلال، على الدين (٢٠١١)، *العهد البرلمانى فى مصر من الصعود إلى الانهيار، ١٩٢٣-١٩٥٢*. القاهره: الدار المصرية اللبنانية.
 - Daly, M.W. (1988), *The Cambridge History of Egypt, Modern Egypt from 1517 to the end of the twentieth century*, Edited by M.W.Daly, Cambridge University Press, Vol. 2.
 - Di-Capua, Ylav. (2009), *Gatekeepers of the Arab Past, Historians and History Writing in twentieth-century Egypt*, London: University of California Press.
 - Faksh, M. A. (1976), "Historical Survey of the Educational System in Egypt", *International Review of Education, Internationale Zeitschrift für Erziehungswissenschaft / Revue Internationale de l'Education*, Vol. 22, No. 2, pp. 234-244.
 - Harby, M. K. and M. El-Hadi (1958), "Education in Modern Egypt ; International Review of Education", *Internationale Zeitschrift für Erziehungswissenschaft, Revue Internationale de l'Education*, Vol. 4, No. 4, pp. 423-439.